

# بهشت خودت را بساز زیر میز آشپزخانه‌ات

ناگهان فکر کردم که ساختن یک بهشت هم لزوماً چیز بدی نیست. من همیشه آن را گونه‌یی گریز می‌پنداشتم. می‌توانی تنها در خانه پشت کامپیوتر خود بنشیني و برای یک سال زمزمه کنی و ترانه‌های آرام و صلح‌جویانه بنویسی. بهرگز در گفت‌وگویی که پیش از آغاز مراسم اهدای جوایز آکادمی انجام شد، این‌گونه از احساسات سازنده آخرین آلبومش گفت. بخوانیم



شیرین بهشت  
رتال جامع علوم انسانی

بیشتر یا عناصر رویایی سروکار دارد. صداهای دیگر فیلم بسیار واقعی هستند. بنابراین آمیختن همه صحنه‌های همراه با موسیقی را ضبط کردیم. صحنه فریوط به ترانه‌یی که در مراسم اسکار اجرا خواهیم کرد، روی ریل قطار فیلم برداری شده بود. بنابراین همه صداهای رنگ جنگل اطراف آن‌جا را دارند. مانند صدای رودخانه یا صدای قطار. که حدوداً مجموعه‌یی از چهل صداست.

تهیه‌کننده و من یک ترکیب زنده ایجاد کردیم. به این صورت که (در مورد مثلاً ۴۰ track) صدای شامخها را در یک track و قطار را در یکی دیگر مثلاً ده صدای

در مراسم اسکار. با آرکستر ۵۵ نفره، ترانه I've Seen It All کاندید بهترین ترانه برای فیلم رقصنده در تاریکی را اجرا خواهید کرد. آیا این یک آرکستر سنتی است. یا این‌که از ابزارهای موسیقی خاصی استفاده خواهید کرد؟

من از یک سری صداهای الکترونیک ضبط شده استفاده خواهیم کرد. موسیقی فیلم با یک سری... چه‌طور بگم وقتی که صداهای فیلم را انتخاب می‌کردم. برایم کاملاً روشن بود که فیلم در فضایی میان رویا و واقعیت معلق است. به نظر من آرکستر

بودم و آن مردم شاید تمامی زندگی‌شان را بر روی این کار گذاشته بودند، و شاید همه چیز را قربانی آن کرده بودند. گروهی متشکل از حدود ۱۰ نفر، دور یک میز گرد آمده بودند.

در این یختری در زندگی‌شان بود که شاید بتوانند به یگانگی یا آن چه بنان باور دارند برسند. و واقعاً نمی‌توانی به مذهب دیگران با انگشت اشاره کنی؛ این اصلاً ندیای من نیست و من تنها از این خردستم که می‌توانستم شاهد آن باشم. و وقتی مردم جایزهی می‌برند، کاملاً تجربه‌ی فرا- جسمانی داشتند. غم‌انگیز بود که اگر نمی‌پرند گسائی بودند که شاید برای ۵۰ سال به دنبالشان می‌گردند. دوست دارم در جامه‌ی به بدینا آمده‌اند و ادین‌شان و والدین‌شان در آن به دنیا آمده‌اند شاخص شوند. در خانواده‌ی من کسی حتی نمی‌دانست که چیزی به نام بهترین ترانه‌ها یا بهترین سریال تلویزیونی وجود دارد. در حالی که ظرف یک هفته چنین چیزی برای من اتفاق افتاد... این چیزی ایس‌لندی نیست.

شما به عنوان یک بیگانه آمده‌اید؟

مسلماً هر چیز دیگری بگویم دروغ است. حتی اگر مثلاً، به فینال المپیک هم می‌رفتم، همین‌گونه برآمدم می‌بود. بدون هیچ بی‌حرمتی منظوری من است که در مراسم مربوط به موسیقی، بارها شرکت کرده‌ام. حیطه‌ی کاملاً متفاوت است. من آن‌جا نقطه‌نظرات خود را دارم ولی در Golden Globe هیچ‌کس را نمی‌شناختم، فکر می‌کنم این مردم بسیار خاص هستند. تشویش و اغراض، همه را به تواتر کشف کرده بود. آن‌ها خود را آماده می‌کردند در آن‌جا فضایی خاص از احساساتی انسانی وجود داشت. بعضی می‌باختند و بعضی دیگر می‌پرند. اما همه با یکدیگر بسیار عالی رفتار می‌کردند. بسیار صمیمانه و با احترام. هیچ چیز زندگی‌های آن‌ها نبود، یا اگر بود من نمی‌دانم.

رقصنده در تاریخچه چه تأثیری بر الیوم بعدی شما Vespertine (شامگاهی) گذاشت؟ تفاوت‌هایی با Homogenio دارد؟

Homogenio برای من محصولی بسیار احساساتی و دراماتیک بود. هم موزیک‌های سازهای زهی و هم ضربات Beats درهم Vespertine distorted. به گونه‌ی متضاد آن است. بسیاری درونی شده، آرام و صلح‌آمیز، و در صلح با خودم. بعد از درگیری بسیار با والدین و سباهی و ادین‌شدن به این که همه چیز مزخرف است، ناگهان فکر کردم که ساختن یک بهشت هم لزوماً چیز بدی نیست. من همیشه آن را گولهی گریز می‌بیندشتم. این الیوم بیشتر درباره این است که بهشت خود را بسازی، اما زیرزمین آشپزخانه‌ات. پس بنابراین بسیار آرام‌تر است. شاید بیشتر درباره این است که تنها و در خانه خود پشت کامپیوتر شخصی خود بنشینم و برای یک سال رزمه کنی و ترانه‌های بسیار آرام و صلح‌جویانه بنویسی. دربارهٔ رسیدن به آن هیچ‌اش شادی و لحظاتی بسیار آسان، اما بدون هیچ محرک خارجی. فقط درون خودت. من کاملاً آگاه هستم که این بهشتی مصنوعی است.

Vespertine برای من بیشتر الیومی است زمستانی. فکر کنم Homogenio خیلی باسطی بود، بسیار گرم مانند بیلهایی سوزان، شاید به این علت که در اسپانیا نوشته شده بود. واقعاً شاید به چنین دلیل ساده‌ی. اما این یکی بیشتر آن روزهای است که بیرون یرف می‌بارد و تو در خانه با یک فنجان کاکائو بنشیندی و همه چیز بسیار جادویی است. بسیار شاد هستی، اما شاید روزها سخن نگویی، چون نمی‌خواهی.

نمی‌خواهی محیط را بازیاری؟

آرد من پیش از آن‌که برای الیوم موسیقی بسازم، ریمه‌هایی برای Vespertine نوشته بودم، اما برخی ترانه‌ها را یک ماه پیش نوشتم. دروغ می‌گویم اگر بگویم الیوم تأثیری بر Vespertine نگذاشته است. از آن لحاظ تأثیر گذاشت که همه چیز از لحاظ احساسی بسیار بی‌رحمانه است. اما از همان اندازه مهم است که، می‌خواهی به آن اوج و جدآزمیز که همه به دنبال آن هستند دست‌یابی، چه در هالم و چه در هالیوود.

مختلف فلزی را در تراک‌های مختلف قرار می‌دهیم. که همه صداهایی واقعی هستند و با می‌گستر و می‌گستر و سستی‌سازید وجود ندارد. این ترکیب ابزار دیگر موسیقی در اجرای ترانه خواهد بود. چنین کاری را از همهٔ پنجاه ساله‌ها می‌دانند و فکر کنم ابتدا به آن Musique Concrete می‌گفتند. انگار از دنیای دیگری است. این بار برای من بسیار مهیج است. من جایزه‌های بسیاری برده‌ام و در مراسم اهدای جایزه بسیار بودم. اما برای اجرای مراسم اسکار بسیار شوق‌زده هستم. من فقط نمی‌روم که یک لباس فانتزی بپوشم. مسأله فقط خواننده است که فضای فکری کاملاً متفاوتی دارد.

همراهی تام یوگ در ضبط ترانهٔ I've Seen It All برای (موسیقی الیوم رقصنده در تاریکی) ترانه‌های شما Selmasongs، تنها ناشی از یک گروه ام آی‌ی‌گانه‌ی بود؟ یا این‌که قرار بود با هم به استودیو بروید؟

مدتی بود که یکدیگر را می‌شناختم. همیشه قرار بود کاری مشترک انجام دهیم و منتظر زمانی مناسب بودیم. من در مورد این ترانه بسیار هیجان‌زده بودم، فکر می‌کردم بالاخره ترانه‌ی دارم که لایق صدای او را داشته باشد. او خواننده مرد مورد علاقه من در جهان است. به تو پیشنهاد همکاری دادم، و او نیز با صداقت تمام در او درمی‌آورد. آن منتش مصنوعی Show-business وجود ندارد. اسرار داشت که به استودیو بیاید و برای مدتی نیز آن‌جا بماند. بنابراین آن‌جا در این لحظه در این لحظه و زمانی و اصل بود این‌گونه نبود که من بخش خود را در لاس‌وگاس ضبط کنم و او بخشی مربوط به خود را. آن‌گونه که اصلاً با یکدیگر ملاقات نکنیم. کاملاً برعکس. خود او آمد و گفت: من واقعاً در حال و هوای کار کردن هستم، من فکر کنم این به خاطر بودن او در یک گروه است. و در آن زمان، به‌تازگی ضبط الیوم Kid A را برده‌اش Radiohead تمام کرده بود. نوبه سال را با پنج نفر در یک اتاق گذرانده بود و این همه میزبان وقت در آن‌جا می‌روانند. ممکن است بنویسی یک آهنگ را نداری، اما اگر از لحاظ ذهنی حاضر باشی، خوب از آب درمی‌آید. مهم‌ترین عامل تلاش است که در جهت ایجاد آن‌جا ترانه با فضای گروه به کار گرفته می‌شود. پس ما حدود چهار روز، هر روز چند ساعت، شاید هم فتراتی می‌کنیم. کاملاً مطمئن هستیم. تمرین کردیم تا به آن مرحله رسیدیم. من فکر کنم آن آهنگ را زوداً اجرا می‌داید، حضور او تأثیر متفاوتی داشت، او مرا وادار کرد تا گویی دیگر بخوشم. بسیار احساسی را و با آن‌جا بسیار نزدیک‌تر زما ترانه، من از حضور او بسیار خوشحال بودم.

از رقصنده در تاریخچه تصمیم‌های بسیاری شد. شما نامزد جایزه Golden Globe و Grammy شدید. نامزد جایزه اسکار برای بهترین ترانه نیز شدید. اما آیا فکر نمی‌کنید در بخش بهترین بازیگری زن مورد بی‌امتنی قرار گرفته‌اید؟ فکر نمی‌کنم، وقتی نامزد شده بودم، شگفت‌زده بودم. واقعاً احساسی اشتیاق می‌کردم. فکر کنم همیشه به این حقیقت آگاه بودم که اگر ایستاد آمده‌ام و ما در آن‌جا فرهنگ متفاوتی داریم.

یک هفته پیش از مراسم Golden Globe به هارلم نیویورک رفتم تا در یک مراسم در کلیسا شرکت کنم. برای من بسیار عالی بود. از ایستاد آمده بودم، و دیگران را در حال تجربه می‌فرا- جسمانی نشان می‌کردم. سعی داشتند که برای یک بار هم که شده، در طول زندگی‌شان، لحظه‌ی به وحدت یا خدا برسند که البته بارها سعی کرده‌اند و آن‌جا امانال شده‌ی برای رسیدن به حالتی روحانی وجود داشت. بعد به Golden Globe رفتم و فضای بسیار مشبهه در آن‌جا حاکم بود. این را با احترام کامل می‌گویم، چنان‌که به نظر من چیزهای کمی وجود دارد که زیباتر از مراسم کلیسا و گروه‌های مردمی باشد که مثلاً در هارلم برای رسیدن به تجربه‌ی فرا- جسمانی گرد آمده‌اند. من در حقیقت با منس- نظرفرشته‌ها ارتباطی. مصنوعی به هارلم رفته بودم، ولی واقعاً تحت تأثیر قرار گرفتم.

Golden Globe با مردمی می‌نشیند که... می‌داید؟ من تنها یک فیلم بازی کرده‌